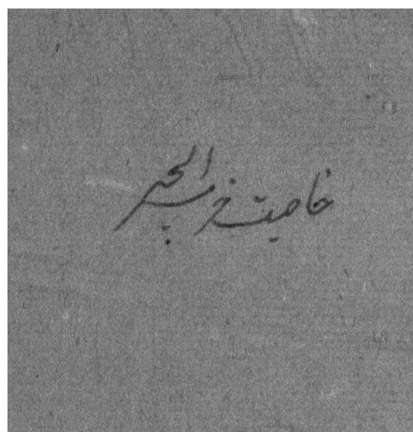
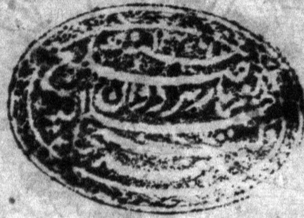
٢٠٦

خاصیت حزب البحر




حاشية خير البحر




22. DEC.



بسم الله الرحمن الرحیم

طریق خاصیت حرز ابجد اول آن است اگر نوشته در
بازو خود ببندد هیچ سحری بروی کار نکند دویم روز پنجشنبه ساعت
مشتری بنام چهار کس نوشته زیر بالین نهد آنکس محب تو گردد سیوم
آنکه اگر نوشته با خود دارد از جمله بلاها در امان باشد چهارم آنکه سه بار
بر قند خوانده بدهد بخوراند از درد زه خلاص شود پنجم برای دفع ناسور
استخوان بر آب بساید و یکبار بخورند در محل ناسور طلا کند ششم آنکه
بمشک و زعفران نوشته ببندد ناسور دفع شود هفتم بر ریسمان دختر نارسیده
هفت بار بخواند هفت گره بدهد و آن ریسمان در کمر بندد درد هفت
اندام دفع شود هشتم دفع شب کوری هفت بار بر سرمه خوانده در چشم کشد

بر آنکه

بدانکه چون خواهد که این عمل بجا آرد باید که روز چهارشنبه و پنجشنبه
و جمعه روزه دارد و هر روز بعد از غسل دوگانه صد و بیست کرت
به نیت قضا بخواند و نزدیک بعضی به نیت شرائط تا دوازده روز
هر روز سی بار بخواند بعده برای برآمدن حاجات درا فروز نیز غسل کند
و دوگانه ادا نماید بعد از سلام ده بار اوّیت و دو به نستعین
اکرم منك فارجوه ارحم منك فادعوه اقرب منك
فاناجیه اسمع منك فانادیه یا کریم یا رحیم یا مجیب اجب
دعوتي واقض حاجتي اللهم اني اوّيت الیك ومن اوی
الیك فقد اوی الی رکن شدید و ده بار درود و سه بار
اخلاص و یکبار فاتحة الکتاب و ~~انعام و از لا یستوی تا آخر~~ و آیة الکرسی
تا خالدون و سورة انعام اگر نتواند آیة اول از سورة انعام و از لا یستوی
تا آخر سورة حشر خوانده این حزب را شروع کند تا دوازده روز هر
روز سی بار بخواند و روز نیز وقت صبح اگر پیش از نماز بخواند

بهر سنت و عصر و بین العشائین یکان یکان بار بخوانند چون به سخر لنا
هذا البحر رسد مراد خود به خاطر بگذرانند چون کهیعص رسد یعنی در حروف
کهیعص یک انگشت دست راست و یک انگشت دست چپ بگیرد و
در هر حرف حم عسق دو دو انگشت بگشاید اما باید که در بستن و
وگشادن ابتدائی آن خنصر کند و رعایت تقدم راست نگاه دارد.
بعد هر حرف از دو دست انگشتی فرو گیرد چون به کل شیء قدیر رسد
مراد خود در دل بگذرانند چون به لفظ شاهت الوجوه رسد
دشمنان خود را در خاطر آرد چون به حم هفت گانه رسد به هر حم طرفی
دمد و ابتدا از راست کند و این دعا بخوانند اللهم لا تقتلنی بغضبک
ولا تهلکنی بعذابک وعافنی قبل ذلک اللهم لا تؤاخذنی
بسوء عملی ولا تسلط علی من لا یرحمنی وکف ایدی الظالمین
عنی یا حفیظ احفظنی ویسر اموری وحصل مرادی
در این محل نیز مراد خود در خاطر آرد و حم هفتم گفته به هر جانب خود

دمد.

دست فرو دآرد و منقول است که اگر هر روزی یا هر شب بخوانند همیشه
در عصمت حق تعالی باشد و خاتمه او بخیر شود الغرض اگر پادشاهی یا دشمنی
خواهد که او را بد زبان رساند باید که این حرز را خوانده بر
دست خود دف زند و دست را بر سر و تمامی اعضای فرود آرد
همه منقاد او گردند و اگر به جهت خوف دزدگان بخوانند امان
باید اگر در کاری درمانده باشد باید که در مقام خالی و مصفا
دو رکعت نماز بگذارد و بعد از سلام این حرز بخواند پنجبار یا هفت
بار الغرض هر که پیوسته این حرز را بخواند در دنیا و آخرت منعم
باشد و این حرز را حرز العصر گویند یعنی بعد نماز پیشین را بخواند میسر
آید و هر که مواظبت کند جمیع موجودات منقاد او گردند و بانواع
تاثیرات بهره مند گردد الغرض بجهت محبت چهل و یکبار بر گلاب
خوانده بد مد چون بهبالنا بکار رسد هفتاد بار بخوانند یحبونهم کحب
الله والذین امنوا اشد حبا لله بعد از ان گوید خداوند

محبة فلان بن فلان و در جمیع جوارح و استخوان او پدید کردان که یک
لحظه بی وی نتواند بودن آمین آمین آمین و کوید سه بار دست
بر زمین زند و همین طریق سه روز خواند آن گلاب که در شیشه کند
هرگاه که بمقابل او رود قدری از گلاب به کف خود مالد و دست
بر روی خود فرود آرد ایضاً برای الم نشرح صدور و زیادتی فهم هر
روز پانزده بار بر نبات و یا بر گلاب و یا بر شیرینی بخواند و چون بمحل
بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ رسد هفتاد بار بعد از آن انه
لحصل یعنی تا آخر آیه بخواند اما باید که هر روز ناشتا بخواند دل او
کشاده کردد و فهم زیاده شود ایضاً برای دفع اعدا و عقد اللسان تا دو
از ده روز هر روز شصت و سه بار بخواند چون به التمس علی وجوه
اعدائنا رسد هفتاد بار یا قاهر ذا البطش الشدید انت الله
لا یطاق انتقامه خداوندا فلان را به بند و مکر و قهر و غضب مبتلا کن و به
خود مشغول کردان و چشم و کوش و زبان او بسته هلاک کردان فقطع دابر

القوم الذين ظلموا والحمد لله رب العالمين کوید ایضاً بجهة کمال معرفت
و غلبه حال تا سه روز هر روز نوزده بار بخوانند چون برسد مرج البحرین یلتقیان
بینهما برزخ لا یبغیان برسد هفتاد بار لا اله الا انت سبحانك
انی کنت من الظالمین کوید و در آخر کوید اللهم انی اسالك
کمال معرفتك و حقیقة الیقین برحمتك یا ارحم الراحمین ایضاً
برای شفای مریض تا دوازده روز هر روز دوازده بار بخوانند چون به
الذی لا یضر مع اسمه شیئ رسد هفتاد بار و ننزل من القرآن ما
هو شفاء و رحمة للمؤمنین یا شافی شفا بخش فلان را از
جمیع مرضها بحق بسم الله الرحمن الرحیم کوید ایضاً بجهة تسخیر سلاطین و امراء
تا دوازده روز هر روز دوازده بار بخوانند چون به یا من بیده ملکوت
کل شیئ و الیه ترجعون رسد هفتاد بار یا عزیز عزیز کردان مرا در
چشم فلان بن فلان کوید بعد سه بار انا انزلنا بخوانند و بعد اتمام دعوت
هر کاه از آنجا زاو رود این حرز را در راه یکبار بخوانند ایضاً بجهة ایمنی

راه و سلامتی سفر قبل از آنکه مسافر شود سه بار با صوم و شرائط دعوت
هر روز دوازده بار بخواند چون به حول الله و بقدرته علینا رسد
هفتاد بار یا حفیظ احفظنی من جمیع البلیات یا ارحم الراحمین
گوید و در وقت روان شدن و فرود آمدن محل خوف یکبار لازم
دارد ایضاً بجهت حفظ کشتی پیش از آنکه سوار شود سه روز هر روز هفده
بار بخواند چون به سخر لنا هذا البحر رسد هفتاد بار بخواند خداوند خود را
و مال خود را و اسباب خود را و رفیقان خود را به امانت می سپارم
با خیریت به ساحل رسان تا آنکه در کشتی باشد هر پنجوقت یکبار ورد
سازد و در محل طوفان تا آن زمان بخواند که طوفان فرو نشیند
ایضاً برای سلامتی ایمان از غارت شیطان تا سه روز هر روز ده
بار بخواند چون به حسبی تا عظیم رسد هفتاد بار گوید اللهم انی اسالک
ایماناً صادقاً و یقیناً کاملاً و قل رب اعوذ بک من همزات
الشیاطین و اعوذ بک رب ان یحضرون و یا قاهر ذا

البطش

۵

البطش الشدید انت الذی لا یطاق انتقامه یا قاهر

ایضاً بجهة گشایش بخت دختران را آب باران یا آب چاه

شب گشنیز یا شنبه تا سه روز هر روز سی و یک بار خوانند بر آن

نفس زنند و چون بمحل فافتح لنا فانک خیر الفاتحین رسد

هفتاد بار قل اللهم تا بغیر حساب بخوانند بعده از آن آب دست و پای

او شسته آن آب را در چاه پاک انداز در پای کسی را و نرسد و یا

در آب جاری انداز و عنقریب الایام بمراد خود رسد ایضاً بجهة توانگری

تا سه روز هر روز بیست بار بخوانند چون به وانشوها علینا من خزائن

رحمتك رسد هفتاد بار یا غنی اغننی وارزقنی رزقا طیبا

واسعا بغیر حساب باید هر روز هفت درویش را نان بر سر سفره

بوسع خود بدهد تا ابواب فتوح بروی گشاده گردد ایضاً بجهة ادای

قرض تا دوازده روز هر روز دو بار بروایتی تا سه روز هر روز

پانزده بار بخوانند چون به وارزقنا فانک خیر الرازقین رسد

هفتاد بار گوید اللهم اکفنی بحلالک عن حرامک وبفضلک
عمن سواک وبطاعتک عن معصیتک گوید وپیش از اعتصام صد بار
اللهم صل علی محمد بعدد الداء والدواء والبراء والنزاء
علی آل محمد بعد از آن گوید اعتصمتُ بالله الفتاح الفیاض هر کر
این شرائط بجا آورد البته بمراد درسد طریق خواندن در یابد اول این
دو آیت که جامع جمیع حروف تهجی و محصل جمیع حاجات است با فاتحه بخواند
بعد از فاتحه سه آیت اول سورة انعام بخواند و آیة الکرسی تا خالدون
ولا یستوی تا آخر سورة حشر بعده ثم انزل بخواند ثم انزل علیکم من
بعد الغم امنة نعاسا یغشی طائفةً منکم وطائفةٌ قد اهمتهم
انفسهم یظنون بالله غیر الحق ظن الجاهلیة یقولون هل لنا
من الامر من شیء قل ان الامر کله لله یخفون فی انفسهم ما لا
یبدون لک یقولون لو کان لنا من الامر شیء ما قتلنا
ها هنا قل لو کنتم فی بیوتکم لبرز الذین کتب علیهم القتل

الی مضاجعهم و لیبتلی الله ما فی صدورکم و لیمحص ما فی قلوبکم
والله علیم بذات الصدور محمد رسول الله والذین معه
اشداء علی الکفار رحماء بینهم تریهم رکعا سجدا یبتغون
فضلا من الله و رضوانا سیماهم فی وجوههم من اثر السجود
ذلک مثلهم فی التوریة و مثلهم فی الانجیل کزرع اخرج
شطاه فآزره فاستغلظ فاستوی علی سوقه یعجب الزراع
لیغیظ بهم الکفار وعد الله الذین امنوا و عملوا الصالحات
منهم مغفرة و اجرا عظیما رب سهل و یسر و لا تعسر علینا
الف با تا ثا جیم حا خا دال ذال را زا سین شین
صاد ضاد طا ظا عین غین فا قاف کاف لام میم نون
واو ها یا خوانده بعد حرز شروع کنند و حروف تهجی بیکدم باید خواند
حروف تهجی تا یای الی بار گفته جانب راست بخوانند و از جهت بعض الی باز بجانب چپ
مجربست و حرز اینست اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم يا الله يا الله يا الله يا علي يا عظيم
يا حليم يا كريم انت ربي وعلمك حسبي فنعم الرب ربي ونعم
الحسب حسبي تنصر من تشاء وانت العزيز الرحيم نسالك
العصمة في الحركات والسكنات والكلمات والارادات و
الخطرات من الشكوك والظنون والاوهام الساترة للقلوب
عن مطالعة الغيوب فقد ابتلى المؤمنون وزلزلوا
زلزالا شديدا واذ يقول المنافقون والذين في قلوبهم
مرض ما وعدنا الله ورسوله الا غرورا فثبتنا
وانصرنا على جميع الخلائق وسخر لنا هذا البر والبحر واهلهما
اين جا مقصود در خاطر آرد وكل الخلائق من كل سلطان ووزير
وكبير وامير وغني وفقير وامام ورعية في هذا البر
والبحر كما سخرت البحر لموسى اشارت براي سلامتي در كشتي هفتاد
بار بگويد خدا وند خود را و رفيقان خود را بتو سپردم سلامت به ساحل

هذه اشارت النبوة علم الامي

برسان وسخرت النار لابراهیم وسخرت الجبال والحدید لداود
وسخرت الریح والشیاطین والجن والانس لسلیمان و
سخرت الثقلین لمحمد علیه الصلوات والسلام وسخرت
لنا کل بحر وحجر وعبید هو لک فی الارض والسماء والملک والملکوت
وبحر الدنیا وبحر الآخرة وبرهما وسخر لنا کل شیء یا من بیده
ملکوت کل شیء والیه ترجعون بحق کهیعص اشارت نصرت
علی الاعداء اللهم انصرنا فانک خیر الناصرین م وافتح لنا
فانک خیر الفاتحین ما واغفر لنا فانک خیر الغافرین
ما وارزقنا فانک خیر الرازقین ما وارحمنا فانک خیر
الراحمین واحفظنا فانک خیر الحافظین ما واهدنا
فانک خیر المتهدین ونجنا من القوم الظالمین وهب
لنا غرة اشارت بر جهت محبت هفتاد بار بخوانند یحبونهم کحب الله
تا آخر بخوانند و بر جهت تسخیر سلاطین و حکام واهل دولت هفتاد بار بگوید

یا عزیز عزیز گردان مرا در چشم فلان بن فلان بعد از آن سه بار

انزلناه بخواند دولةً وحرمةً وبركةً وكرامةً ومهابةً

وريحاً طيبةً كما هي في علمك وانشرها علينا من خزائن

رحمتك واحملنا بها حمل الكرامة رسد برای تونگری وزیادتی

هفتاد بار بگوید یا غني اغنني تا بغير حساب مع السلامة و

العافية في الدنيا والآخرة انك على كل شيء قدير اللهم

يسر لنا امورنا مع الراحة لقلوبنا وابداننا والسلامة و

والعافية في ديننا ودنيانا وكن لنا صاحباً في سفرنا

ومعيناً وحامياً في حضرنا وخليفة في اهلنا واطمس

على وجوه اعدائنا چون اینجا رسد دشمن بصدر خاطر آرد هلاک

گردد یا غني اغنني وارزقني رزقاً طيباً واسعاً بغير حساب ۷۰

هفت بار بگوید محل اجابت چون اینجا رسد برای خلاصی محبوس و هلاک

دشمن در خاطر آرد ولمسخناهم على مكانتهم فلا يستطيعون المضي

ولا

٨

ولا المجیئ الینا ولونشاء لطمسنا علی اعینهم فاستبقوا
الصراط فانی یبصرون ولونشاء لمسخناهم علی مکانتهم
فما استطاعوا مضیا ولا یرجعون اشارها اعدای لیس
والقرآن الحکیم انك لمن المرسلین ما محل اشارت برای
غلبه موفت وغلبه حال هفتاد بار بگوید لا اله الا انت سبحانك
انی کنت من الظالمین ودر آخر گوید اللهم انی اسألك
کمال المعرفة وحقیقة الیقین ۳ بار علی صراط
مستقیم تنزیل العزیز الرحیم لتنذر قوما ما
انذر اباؤهم فهم غافلون لقد حق القول علی اکثرهم
لا یؤمنون انا جعلنا فی اعناقهم اغلالا فهی الی
الاذقان فهم مقمحون وجعلنا من بین ایدیهم
سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون
شاهت الوجوه للحی القیوم وقد خاب من حمل ظلما

طس طسم حمعسق مرج البحرين يلتقيان بينهما برزخ
لا يبغيان حم حم حم حم حم حم حم چون بحم هفت
رسد اللهم لا تقتلنا بغضبك ولا تهلكنا بعذابك
وعافنا قبل ذلك اللهم لا تواخذنا بسوء اعمالنا
ولا تسلط علينا من لا يرحمنا وكف ايدى الظالمين
عنا يا حفيظ احفظنا اللهم يسر امورنا وحصّل مرادنا
بخواند بعد از آن از حم الامر شروع كند هفت حم حصار تمام اندام
اند آغاز از راست آن دوم پس سوم چپ چهارم پس پنجم بالا ششم
فرود هفتم بر خود نفث زند و بر تمام اعضا دست فرود آرد و هر كرات
اين عمل بجا آرد حم الامر وجاء النصر فعلينا لا ينصرون
حم تنزيل الكتاب من الله العزيز العليم غافر الذنب
وقابل التوب شديد العقاب ذى الطول لا اله
الا هو اليه المصير بسم الله بابنا تبارك حيطاننا

يس

يس سَقُفُنا چون اینجا رسد بر جهت اصن راه و سلامتی سفر هفت دبار بگوید یا حفیظ

احفظني من جميع الآفات يا ارحم الراحمين كهيعص كفايتنا

حم عسق حمايتنا فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم

ستر العرش مسبول علينا وعين الله ناظرة الينا بحول

الله لا يقدر علينا والله من ورائهم محيط بل هو قرآن

في لوح محفوظ فالله خير حافظا وهو ارحم الراحمين

انّ وليّيَ الله الذي نزّل الكتاب وهو يتولى الصالحين

اني توكلت على الله ربي وربكم ما من دابة الا هو

آخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم فان تولّوا

فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب

العرش العظيم اللهم اني اسالك ايمانا صادقا ويقينا

كاملا وقل رب اعوذ بك من همزات الشياطين

واعوذ بك رب ان يحضرون ويا قاهر ذا البطش الشديد

بسم الله خير الاسماء بسم الله رب الارض والسما بسم الله
الذي لا يضر مع اسمه شيئ في الارض ولا في السما وهو
السميع العليم ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم يا الله
يا نور يا حي يا مبين ازا كسني نا اخر اخسامت اكسني من
نورك وعلمني من علمك وفهمني عنك واسمعني منك
وبصرني بك وامني بشهودك وعرفني الطريق اليك عند
قرات كل واحد منها يضرب اليمين على الارض ويطلب
المطلوب وهو نها علي بفضلك والبسني التقوى
بك ومنك انك على كل شيئ قدير يا سميع يا عليم يا عظيم
يا حليم يا علي اسمع دعاءى بخصائص لطفك آمين
آمين آمين الله وملائكته يصلون على النبي
يا ايها الذين امنوا صلوا عليه وسلموا تسليما وصلى
الله على خير خلقه محمد واله اجمعين اعوذ بكلمات

الله التامة من شر ما خلق يا عظيم السلطان يا قديم
الاحسان يا دائم النعم يا باسط الرزق يا واسع العطايا
يا دافع البلايا يا سامع الدعاء يا حاضرا ليس بغائب
يا موجود عند الشدائد يا خفي اللطف يا لطيف الصنع
يا حليما لا يعجل يا جوادا لا يبخل وصلى الله على سيدنا
محمد واله الطيبين واصحبه الطاهرين بعده يا حفيظ
سیصد و نود و هشت بار بخوانند و این وسیله را بخوانند بسم الله الرحمن
الرحيم الهي توسلت بالسر الاسرار الخفيه الهي و توسلت
بكرمك الخفي الهي توسلت بهذا الحرز العظيم ان
تقضي لنا جميع حاجاتي ومرادي وان تدفع شر جميع
اعدائي واحسادي الوحا الوحا الوحا العجل العجل
العجل الساعة الساعة بحق اهيا اشر اهيا اهيا
اشر اهيا برحمتك يا ارحم الراحمين يا مجيب يا مجيب

خواص اسماء حسنی جل جلاله یا الله هر که هر روز هزار بار بخواند صاحب یقین شود
و برای دفع تب مدام بود درج کند یا رحمن م هر که بعد از هر نماز صد بار
گوید غفلت و فراموشی و سختی دل او برود یا رحیم م هر که هر روز
صد بار گوید مشفق و مهربان گردد هر دو چشم او بر نگین آهن کرده روز
جمعه بعد ادای نماز جمعه بپوشد هیچ مکر و مکروهی بدو نرسد و جمیع حاجاتش
ساخته گردد یا ملک م هر که هر روز نود بار گوید روشن ضمیر
و توانگر گردد و ملوک مسخر و منقاد او گردند و برای اجابت و زیادتی
عزت و حرمت خواند مجرب است یا قدوس م برای پاکی دل هر
روز بوقت زوال صد بار گوید و بجهة پناه یا مؤمن از خصمان بوقت
فرار چندانکه تواند بگوید اگر مسافر در راه مداومت نماید هیچگاه
در راه مانده نشود و عاجز و مضطر نگردد و اگر بعد نماز جمعه بر نان
نوشته بخورد موصوف به صفات ملکیه گردد یا سلام م برای
دفع مرض صد و یازده بار بخواند و اگر مداومت نماید از ترس ایمن

و اگر سیصد و نوزده بار بخواند و اگر مداومت نماید از ترس بر شیر بی خواند
بر دشمن و بهد منفق گردد یا مؤمن ۲۰ هر که بسیار خواند خلق مطیع و منقاد
او گردند و اگر مداومت نماید یا نوشته با خود دارد دمتاع ظاهر
و باطنی وی در امان حق باشد یا مهیمن ۲۰ هر که بعد غسل صد بار گوید
بر دلها مشرف و بر مغیبات مطلع گردد و اگر معاذ طلب نماید از جمیع
دعاهات پناه یابد و از جمله بهشتیان گردد یا عزیز ۲۰ هر که بعد
از نماز فجر تا چهار روز هر روز چهل و یکبار بخواند در دنیا و عقبی
محتاج کس نشود و اگر مداومت نماید بعد نماز خوار عزیز گردد و در
این خاصیت عجیب و غریب است یا جبار ۲۰ هر که بنیت مقصود کرد اعدای
این اسم بعد نماز جمعه سیصد بار بخواند جمله مهلک شود اگر بعد مسبعات
عشر بیست و یکبار بگوید بدست هیچ ظالم گرفتار نگردد و اگر مداومت
نماید از غیب و بدگفتن خلق در امان باشند و ملوک و اکابر را باید
که در این اسم مداومت نماید یاد در انگشتری نما وقف کرده موافق

اعداد بر شکل یعنی در شکل پر کند انگشتری بپوشند در دل خلق ممکن گردد

یا متکبر ج هر که در بستر حلال قبل دخول ده بار گوید فرزند خدا ترس

آید و اگر در ابتدای هر کاری بسیار گوید بر مراد او بر اتمام رسد یا

خالق هر که در شب بسیار گوید دل و روی او منور گردد و در تمامی

کارهای قوی باشد و ثواب او در قیامت در دیوان او بنویسند

و حق تع فرشته آفریند تا روز قیامت از قبل او طاعت کند اگر کسی

در صفت باریک چنانکه کیمیا و زرگری و غیره مشغول باشد مدت

انجام خود هر صباح صد بار بخواند موجب دل خواه خواهد شد یا باری

س برای محبت بر گل خوشبوی ۱۰ بار بخواند و در حین خواندن نام او با

مادر او متصل کند بدهد و بدهد تا بو کند بیقرار و بی آرام گردد هر که در

یا جمعه صد بار گوید او بعد در گور نگذارند تا بهشت ننماید یا مصور ص

هر که در وقت رفتن اسم یا مصور بر انگشت شهادت بر پیشانی نوشته

هر جا که برود و هر که ملاقات کند دوست او گردد و اگر عورت عقیم باشد هفت

۱۰۷

روزه روزنه دارد هر روز وقت افطار بیست و یکبار بر آب خواند بخورد حق سبحانه و تعالی فرزند نرینه روزی کند و هر که بسیار گوید کارهای دشوار بر او آسان شود یا غفار هر که بعد نماز جمعه صد بار گوید یا غفار اغفرلی ذنوبی از مغفور گردد یا قهار برای مقهوری اعدای در آخر ماه رمضان روز چهارشنبه و جمعه اسم یا قهار را چهل هزار بار هر روز در خلا بخواند اول شرائط بجا آورده دو رکعت نماز ادا کند در هر رکعتی معوذتین بخواند بعده هر دو دست بر آورده مطلب در نشسته باشند بخوانده بقرائت مشغول شود اول و آخر درود ده بار بگوید بکرم الله دشمن مقهور گردد و بجهة هر مهم صد بار گوید و اگر مداومت نماید محبت دنیا از دل او برود و خاتمه او بخیر شود و محبت و شوق حق تعالی در دل او بیفزاید و اگر میان فرض و سنت فجر صد بار به نیت مقهوری دشمن بخواند مقهور گردد یا وهاب هر که اسم یا وهاب روز چهارشنبه غسل کرده دو رکعت نماز ادا نموده هزار بار بخواند دنیا و جمعیت اسباب جهان بر وی

فراوان گردد هر که در شمار نباید از عمل ظاهر خواهد شد و هر که بعد از نماز
چاشت آیه یا سمیع خواند سر بسجده نهد و هفت بار بگوید از خلایق مستغنی
گردد و اگر حاجتی دارد در میان شب در صحن خانه یا در مسجد سه بار سجده
کند و دست برآورده صد بار گوید حاجتش روان گردد یا نافع هم
هر که پیش از نماز بامداد وقت صبح در چهار کنج خانه خود در هر کنجی ده بار
بگوید در آن خانه تعب و بی‌نوای نباشد باید که آغاز از کنج راست کند
و روی از قبله بگرداند و هر که این اسم یا رزاق صد یا پانصد و چهل و پنج بار
بخواند رزق او گشاده گردد و هیچ دشواری و درماندگی نبیند اگر
هزار بار در محل خلا بخواند با خضر علیه السلام ملاقات کند اما باید که لقمه
حلال خورده باشد یا فتاح هر که خواهد که حاجت او زود برآید باید با وضو
در صحرا رفته دو رکعت نماز کرده مستقبل قبله نشسته هزار بار یا فتاح بخواند
بجا نارسیده حاجت او برآید مجرب است و هر که بعد از نماز دو دست خود بر
سینه نهاده هفتاد بار گوید زنگ از دل او برود یا علیم هر که ابدل

بسیار کوید از موفقت حق نصیب یابد و اگر خواهد که از کارهای پنهان آگاهی
یابد باید که در شب جمعه بعد از این نماز صد بار در سجده گفته در خواب
رود ماهیت آن کار بر وی آشکار گردد و هر که را سحر کرده باشند
چنانچه در بدن او بطریق خلیدن سوزن المی رسد و طعام و شراب خوش
نمی آید باید که این نام بر نوشته در آب گرم انداز دو سه روز بدان آب
بشوید هر سحر و جادو که باشد مندفع شود صحت یابد فائده کبیره یا علام
اگر خواهد که از ساحری یا دزدی یا برده گریخته آگاهی یابد باید که سه
روز روزه دارد و هر شب هزار بار یا علام علمنی من فلان بالغ
برزبان براند و با طهارت خسبد حالات ایشان روشن گردد
و هر که خواهد حاجت او زود بر آید باید که وضو ساخته در صحرا رفته
دو رکعت نماز بگذارد و مستقبل قبله نشسته هزار بار این اسم را بخواند که حاجت
نا رسیده حاجتش روان گردد مجرب است یا قابض هر که چهل روز
بر لقمه نان بنویسد و بخورد از عذاب گور و گرسنگی ایمن گردد یا باسط

هر که هر صبحگاه دست بر آورده و ده بار گفته بر روی خود مالد هرگز به
سوال محتاج نگردد یا خافض ج بجهت هلاک دشمن لشکر روز روزه
طی دارد چهارم روز جمله پانصد هفتاد هزار بار بگوید یا رافع هر
اگر نیم روز یا نیم شب صد بار گوید از جمله خلائق برگزیده و بی نیاز
گردد یا معز هر که چهل و یکبار هر شب دوشنبه و جمعه بعد نماز شام
گوید میان خلق با هیبت باشد بجز از خدا تعالی نترسد یا مذل ج هر که
از ظالمی یا حاسدی بیم دارد هفتاد و پنجبار گوید بعد سر به سجده نهد
و گوید الهی مرا از شر فلان در امان دار امان یابد یا سمیع هر
هر که روز پنجشنبه بعد از نماز چاشت پانصد بار بروایتی هر روز
صد بار گوید در حلقی خواندن سخن نگوید هر دعا کرد البته مستجاب
گردد یا بصیر هر که در میان سنت و فرض فجر صد بار و یکبار گوید
مخصوص بنظر عنایت حق گردد یا حکیم هر که در نیم شب چندان
میگوید که از خود در رود حق تعالی باطن او را معدن اسرار گرداند

یا عدل النفس برای هر شب جمعه بر بیت لقمه نان بنویسد و بخورد حق تع جمله خلائق
او را مسخر گرداند یا لطیف هم برای گشادن بخت دختران و صحت
امراض و کفایت مهمات بعد تحیة الوضو صد بار مداومت نماید اما عمل
حضرت پیران اخوانیه قدس الله ارواحهم این است که از برای هر
مهمی دینی و دنیاوی در جائی خالی به شرائط دعوت شانزده هزار
بار و شصت صد و چهل و یکبار اسم یا لطیف بخواند بعده قسم اسم
مذکور صد و بیست و نه بار بخواند مراد برسد ایضا عمل حضرت پیران
اخوانیه قدس الله ارواحهم روز شنبه و چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه
روزه دارد و شرائط دعوت مرعی دارد خصوصاً اکل حلال و در این
شبها هر شب شیرینی بارواح حق داران به فقرا رساند و شب چهار
شنبه نیم شب غسل کند و یکدو رکعت نماز بسلسله اخوانیه بگذارد خصوصاً بروح
پر فتوح حضرت قطب ربانی غوث الصمدانی سلطان سید محی الدین
عبد القادر جیلانی و حضرت اقدس مولانا قطب الدین محمد و حضرت

مقدس مولانا علاء الدین احمد بار روح هر یک فاتحه بخوانند بدین طریق
فاتحه دو بار اذا زلزلت دو بار اخلاص ده بار درود ده بار یس
فاتحه به حضرت رسالت پناه صلی الله علیه السلام ختم کنند بعده اسم یا لطیف پنج
هزار و پانصد و چهل و هفت بار بخوانند بعده قسم اسم مذکور چهل و سه بار
بخوانند و همین عمل در شب پنج شنبه و جمعه مذکور بکنند بعد از فراغ وسع خود شیرینی
قسمت کنند البته مراد رسد اگر مقدر گشته حاجت او روا گردد بدانکه این
عمل موافق خواهد گشت و عمل پیران بخاریه قدس الله ارواحهم این است که
*روز سه شنبه و چهارشنبه و پنج شنبه روزه دارد با رعایت دعوت
خصوصا در باب اکل حلال و اگر فتوح بخورد بهتر بود و درین شبها هر شب
شیرینی بر ارواح حق داران برحلی بدهد و اگر برگ تنبول منضم کند
بهتر بود و در شب چهارشنبه نیم شب غسل کند و یک دوگانه بروح حق داران
بگذارد و یکدوگانه سلسله حضرت مخدوم جهانیان و قطب عالم
و شاه عالم بگذارد و در هر رکعتی بعد فاتحه آیة الکرسی و آمن الرسول

بامید

واخلاص سه کان بار بخوانند و برای برآمدن حاجات و مزید حیات مرشد

تکبیر گوید بعده یا لطیف سه پنج هزار و پانصد و چهل و هفت بار بخوانند

بعده قسم سه چهل و سه بار بخوانند همین عمل در شب پنجشنبه و جمعه بکند

البته مراد برسد طریق عمل مشایخ آخر قدس الله ارواحهم از روز یکشنبه

تا جمعه روزه دارد و باشرط دعوت درین پنج شب ابتدا آن

شب دوشنبه است هر شب غسل پاک کرده هزار بار یا لطیف بیاء ندا

و شش هزار بار اللطیف بلام تعریف و ششصد بار لطیف بی

تنوین بشکنید و یکبار لطیف بوقف گوید بعده قسم سه صد و بیست و نه

بار بخوانند همچنان تا انتها شب ۵ شب جمعه است و اگر این اسم خوانند

این شرائط موافق کرده خدای تعالی در آن ماه او را بمراد رساند و

اگر محال نموده باشد روان گردد قسم این مختلف است اما آنچه بانی

فقیر رسیده این است بسم الله الرحمن الرحیم وصلی الله علی خیر

خلقه محمد و آله اجمعین اللهم انی اسالک باسمک اللطیف

اللطيف اللطيف يا من وسع لطفه اهل السموات والارض اسالك

ان تلطف بي من خفي خفي لطفك الخفي الخفي الذي اذا

لطفت به لاحد من عبادك لكفي فانك قلت وقولك الحق

المبين الله لطيف بعباده يرزق من يشاء وهو القوي

العزيز الطف بي اللهم بلطفك الخفي يا خفي الالطاف

نجنا مما نخاف بحق سورة الاعراف وصلى الله على خير

خلقه محمد وآله اجمعين يا خبير هر که بدست نفس خود

گرفتار باشد این اسم بسیار گوید خلاص یابد یا حلیم هر که اگر

کشتی بکار د و یا نهال درخت اند بر کاغذ نوشته و بآب شسته آن آب

بر آن کشت و نهال پراکنده کند به کمال رسد و برکت شود یا عظیم

هر که بدل بسیار گوید بر همه عزیز و مکرم بود یا غفور هر که

در سر بار حمتی یا اندوهی پیش آید سه بار مقطعات یا غفور

نوشته بخورد شفا یابد هر که بسیار گوید سیاهی از دل برود یا شکور

هرکرا ننگی شقیقت یا تارکی دل و چشم پیدا آید چهل و یکبار این نام صد بار بر آب
بخواند آن آب را بخورد و در چشم مالد شفا یابد و توانگر گردد یا علی ج
هر که این نام پیوسته بخواند یا با خود دارد اگر خورد است بزرگ شود و اگر
بی نوبت باشد با نوا گردد و اگر غریب باشد به شهر خود بسلامت بمقصود رسد
یا کبیر ج هر که بسیار گوید به مرتبه کبریایی رسد اگر احکام و والیان مداومت
نمایند همه کس از ایشان بترسد و مهمات نیکو پیش آید یا حفیظ م
هر که نوشته در بازو ببندد از خوف آتش بود و پری و گفت و نظر بد
ایمن بود یا مقیت مش هر کرا غربتی پیش آید یا نقل از جای بجای کند
و صابر نتواند بود یا طفل بد خوی کند یا بسیار گرید هفت بار بر کوزه خالی
خوانده بدمد بعده آن آب در کوزه کند بخورد و اگر روزه دار صبیم
هلاکت بود بر کل یا کل خوانده ببوید قوت یابد و روزه داشتن تواند
یا حسیب متق هر کرا خوف دزدی و ماهم سایه بد و چشم زخم یا عدوی
یا حاسدی یا باشد هر صبح و شام هفت روز هفتاد و هفت بار بخواند حسبی

الله الحسیب هنوز هفت روز تمام نشود که مصالح به اتمام رسد باید که

از پنج شنبه آغاز کنند یا جلیل هر که بمشک و زعفران نوشته با خود دارد

و یا بخورد در میان خلق موقر و بزرگ گردد یا کریم هر که در بستر خواب

این نام بر زبان راند تا در خواب رود فرشتگان به فرمان رسد که دعای

اکرمک الله بگویند و در جهان مکرم و مشرف گردد و گویند اسد الله الغالب

علی ابن ابی طالب رضی الله تعالی عنه این نام را بسیار گفتی از آن هر

او را کرم الله وجهه گویند یا رقیب هر که گرد بر گرد عورتی یا بستری

یا مالی بخواند هفت بار از خصمان سلامت ماند یا مجیب هر که

بسیار گوید یا نوشته با خود دارد همیشه در امان حق باشد و در آخر هر

دعای که گوید زود مستجاب شود یا واسع هر که بسیار گوید قناعت و کفایت

یا حکیم هر که را مهمی پیش آید که احتمال و طاقت ندارد بسیار

گوید کفایت یابد چهار صد و بیست و پنج بار بخوانند و نوشته نیز بخورد

یا ودود هم برای محبت میان دو کس بر چیزی خوردنی خوانند

برعدو وبدبهد تا بخورد دوست گردد یا مجید ش هر که آبله فرنگ یا خرام
و برص باشند در ایام بیض روزه دارد و بوقت افطار بسیار گوید و بر
آب دمیده بخورد شفا یابد و هر که در میان ابنای جنس خود عزیز و محترم باشد
هر صبح نود و نه بار بخواند عزیز و مکرم شود یا باعث ش هر که در وقت خواب
رفتن دست بر سینه نهد و صد و یکبار گوید حق تعالی دل مرده او زنده و مقام
نوا گرداند یا شهید ش هر کرا پسری بی فرمان و یا دختری گستاخ باشد
هر صبحگاه دست بر پیشانی او نهد روی بسوی آسمان کرده بیست و یکبار بگوید
حق تعالی او را نیک بخت و فرمان بردار گرداند یا حق ش هر کرا کالای
گم شده باشد بر چهار گوشه کاغذ این نام بنویسد و در میان کاغذ نام کالای و
و نیم شب بر کف دست نهد و نظر بسوی آسمان کرده تضرع آرد یافته شود
و اگر محبوسی در نیم شب سر برهنه کرده صد و هشت بار بگوید خلاص یابد
یا وکیل ش هر که از صاعقه یا باد و آب و یا آتش بیم باشد ورد خود سازد امان
یابد و اگر در محل خوف بسیار گوید ایمن گردد یا قوی ع هر که از دشمنی قوی

باشند و تدبیر دفع آن نداند هزار و یک علوله آرد بکند و بر هر علوله یکبار
بخوانند و آن بعضی مرغان اندازد و بدل نیت دفع دشمنان بکند مقهور
گردند و اگر در دویم ساعت روز جمعه بسیار خواند نسیان از وی برود یا متین ج
هر کرا طفلی باشد که از شیر باز کرده باشند و صبر کردن نتواند و یا شیر دهنده
نقصان شده باشد باید که نوشته با آن طفل بخوراند تا صبر تواند کرد و در شیر دهنده
بخوراند شیر بسیار فراوان شود و اگر کسی اشتغال و اعمال ملکی خواهد روز شنبه در
اول ساعت بدان نیت سی صد و شصت بار بخوراند آن منصب یابد
یا ولی هر که بسیار گوید از ضمائر خلق آگاه شود و اگر زنی یا کنیزکی
بدخشم باشد و [illegible] قبول بدل بسیار گوید از بدکاری باز آید یا حمید هر کس
هر که زبان خود از بد گفتن نگاه نتواند داشت باید که بر قدح چینی بنویسد دائم
همدران آب خورد امان یابد و هر که بسیار گوید پسندیده گردد یا محصی
هر که شب جمعه هزار یکبار بخواند از عذاب و حساب قیامت امان یابد و هر که بسیار
گوید در حساب غلط نکند یا مبدی ج اگر حامله باشد و از سقوط می ترسد یا انکه حمل

یا مالک

و بر بماند باید که شوهرش هر شب که لحظه نود بار گوید و بر انگشت دمیده گرد بر
گرد شکم گرداند حق تعالی از اسقاط شدن نگاه دارد و زود خلاص یابد و
او به نیکبختی رسد و هر که مداومت نماید هر چه بر زبانش جاری شود به صدق
و صواب بود یا معید جهت هر غائبی باشد و هنگامی که خلق خفته بود در چهار
گوشه خانه در هر گوشه هفتاد بار گوید بعده نام غائب چنین گوید یا معید
فلان را باز بمن رسان بفرمان الله تعالی بمدت هفت روز خود باز آید
و یا خبر او رسد و اگر چیزی گم شده باشد بسیار گوید باز آید یا محیی برای
دفع درد هفت اندام تا هفت روز هر روز خواند و بر خود دمد و اگر مواظبت
نماید دلش زنده شود و در بدنش قوت پیدا آید یا ممیت جهت هر که نفس
اماره خود بس نیاید هنگام خواب دست بر سینه نهد این نام گویان در خواب رود نفس
بفرمان مطیع وی گردد و جهت هلاک دشمن اول شب شنبه تا صباح روز سه
شنبه چهار صد و نود بار بخواند یا حی اگر بر رنجوری [illegible] کرده بسیار
گوید صحت یابد و اگر هر روز هفتاد بار گوید عمرش دراز شود و قوت [illegible]

دروی زیاده گردد یا قیوم هر روز در هر سحرگاه بلند گوید متفرق دلها
شود واگر بسیار گوید همه آتش موجب دل خواه او ساخته شود این دو
اسم بایکدیگر خواص بسیار دارد یا واجد هر که این نام گویان در خلوت
رود چنانکه ز خود بیهوش شود هر روز هنگام خوردن بهر لقمه گوید در شکم او نور
گردد واگر بسیار گوید توانگر گردد یا ماجد هر که این نام گویان
در خلوت رود چنانکه ز خود بیهوش شود انوار در دل او پیدا آید واگر
بسیار در چشم خلق بزرگ گردد یا واحد هر که را دل از خلوت هراسان
بود هزار و یکبار گوید خوف از دل او برود و مقرب حق گردد واگر طلب
فرزند نماید باید که را حد نوشته با خود دارد فرزند آید یا احد
هر که بوقت تنهای هزار بار بگوید ملائکه آثار در عین معاینه کند یا صمد
هر که هر سحرگاه یا نیم شب سر بسجده نهد و صد و یازده بار بگوید صادق القول
بود بدست ... گرفتار نگردد واگر بسیار گوید گرسنه نشود واگر در حالت
وضو گوید از خلق بی نیاز گردد یا قادر هر روز وقت آبدست بهر عضوی
بخواند

بخواند هیچ ظالمی و یا دشمنی بروی قادر نشدن نتواند و اگر کاری مشکل پیش آید
چهل و یکبار گوید ساخته گردد یا مقتدر هر که از خواب بیدار شود و چشم
پیش کرده بخواند همه کارها بحق کند و اگر بجهته هلاک دشمن بسیار گوید هلاک
گردد یا مذل هر که در معرکه و یا در جای خوف باشد هر جای نتواند
داشت بخواند و بر خود دارد دل قوت گیرد و هیچ نکبتی بدو نرسد و اگر
بسیار گوید نفس در طاعت الهی فرمان بردار شود یا مؤخر هر که هر روز
صد بار گوید بردون حق دل او فرود نیاید و همه کارها او به اتمام رسد و اگر چهل
و یکبار گوید نفس مطیع وی گردد یا اول هر که آرزوی فرزند و یا غایبی و
و حاجتی باشد چهل شب جمعه هر جمعه هزار بار بگوید حاصل گشت [illegible] و اگر بسیار
دلش آرمیده گردد یا آخر هر که عمر آخر رسیده باشد و اعمال نیک ندارد
ورد خود سازد عاقبت بخیر گردد و اگر بسیار گوید بر دشمن ظفر یابد و در
مجادله بر دشمن غالب آید یا ظاهر هر که بعد از نماز اشراق پانصد بار گوید
چشم او منور گردد و اگر خوف باد و باران و غیره باشد بسیار گوید امان یابد

واگر بر دیوار خانه بنویسد آن دیوار بسلامت بماند واگر هر روز بوقت استوا چهل
بار بگوید هیچ کس بوی چیزی پوشیده ندارد و بگوید یا باطن هر که هر روز بعد
نماز بامداد سی و سه بار گوید صاحب الهام گردد اگر مداومت نماید هر که او را ببیند
دوست دارد و مطیع وی گردد یا والی هر که خواهد که خانه او و عز او خراب
نشود و از همه آفات بسلامت ماند باید که در کوزه آب نارسیده بنویسد و آب در
کوزه کند و بر دیوار خانه زند که بسلامت ماند و اگر به نیت تسخیر هر که یازده بار
بخواند مطیع وی گردد یا متعالی هر زن که در مدت حیض بخواند دوشیزه
گردد و اگر بسیار گوید هر دشواری که بوی رسد آسان گردد یا بر هر که بر طفل
بدو دهد [illegible] طفل رنجه نگردد بسیار دیگر حق تعالی به بلاغت رسد و اگر
کسی بشراب و زنا مبتلا بود هر روز هفت بار گوید دل وی از او سیر شود و مایل
نشود یا تواب هر که بعد از نماز چاشت سیصد و شصت بار گوید توبه او قبول
گردد و هر که بسیار گوید کارهای وی بصلاح باز آید و نفس در طاعت رام گردد
یا منعم هر که مداومت نماید صاحب نعمت گردد و بیچاره محتاج کس نشود اگر

ابی ام

این اسم را روز دوشنبه بین الصلاتین دولیست و پنجاه بار با عیال خود
بخوانند منعم و غنی گردد و محتاج کس نگردد یا منتقم هر که بر جفای دشمن
صبر نتواند کرد تا سه جمعه بگوید و دوست گردد و به هر نیتی که به نیم شب بخواند بکفایت
رسد هر که خواند از دشمنی که انتقام خود کشد باید در بیست و یک برگ [illegible]
آورده هر یکی اسم را سه کرت خوانده دمیده بر سر او یا در خانه او یا در محل
نشستن او اندازد چنانچه بر تن او سخت خورد آن دشمن در چند روز دیوانه
شده هلاک شود یا عفو هر که از بسیاری گناهای نومیدی حاصل آمده [illegible]
خود سازد همه گناهان او عفو کردند و بجهت ترس و فرح چندانکه تواند بخواند
نجات یابد یا رئوف هر که مظلوم را از ظالمی خلاص دهد [illegible] ده بار بخواند
ظالم بشفقت او راضی شود و اگر مداومت نماید خدا بر او مهربان گردد و همه
کس او را دوست دارد یا مالک الملک یا ذوالجلال والاکرام هر
که مداومت نماید توانگر و ذوجاه گردد و مهمات دارین او ساخته گردد یا رب
هر که عزیز خود را در میان قوم بیگانه داشته باشد گرد بر گرد [illegible] خط بکشد
و این نام بگوید بخوبی پرورده گردد یا مقسط هر که او را وسوسه شیطان انگیزی

نتواند بود هر روز صد بار بگوید امین گردد اگر هفت صد بار بخواند هر مقصودی

که داشته باشد برسد یا جامع ش هر که خواهد که اهل و اتباع او جمع شوند

روز یکشنبه وقت چاشت غسل کند و روی سوی آسمان کند و انگشتان

دو دست را یکان یکان باز هر نام بشمارد تا ده شود بعده بر روی فرود

گرداند و بر پیشانی آن جمع کند و اگر جهت هر مرادی روز جمعه بعد ادای

نماز جمعه چهل و دو بار گوید ساخته گردد یا غنی ش هر که به بلاء طمع مبتلا باشد

به هر عضوی از اعضاء خود دست فرود آرد و این نام بگوید مقصود حاصل

شود و اگر هر روز هفتاد بار گوید در مالش برکت شود و هیچ گاه محتاج نگردد

یا مغنی م هر کرا از علم توسعی حاصل نشده باشد تا ده جمعه هر روز ده هزار

بار بگوید از خلق بی نیاز گردد یا معطی م هر کرا محل دعا و نیاز نباشد طه

یا معطی السائلین بسیار گوید هیچ سوالی محتاج نگردد یا مانع ج هر کرا

جفت ناسازوار باشد هنگام خواب صد بار گوید سازوار گردد و برای بر

هم زدن احوال اعدا چندانکه تواند گوید یا ضار ج هر که خود را در مقام

بللذ

ببیند

ببیند که در خور داو نباشد حقیقت یا مجاز او را عشق روزی شود اگر زر نیغ
بیم دارد اینی نام را هر شب جمعه و ایام بیض صد بار گوید مستقیم بود و مجل
توب باید و بعضی گفته اند یا ضار تنها خواندن مناسب نیست یا ضار یا نافع
بخوانند یا نافع هر که در سفر جهاز هر روز چهل بار بخوانند یا صد و یک بار و
چند کس هر یک هزار بار یا زیاده کس یا در کس کمتر یا بیشتر از غرق شدن
کشتی و از تلف شدن ایمن بود و اگر میان صد دشمنی برود هیچ یکی به او
نرسد و اگر در بدایت هر کاری بگویند کسب دل خواه او تمام یابد یا نور هر که
در شبهای جمعه هفت بار سورة نور و هزار یکبار اینی نام بخواند در دل او نوری
پیدا آید و اگر در وقت صبح مداومت کند و اگر ... روشن گردد
یا هادی هر که روی سوی آسمان کرده و دو دست بر داشته بسیار گوید و
دست بر روی و چشم بمالد بمرتبه اهل موقت رسد و اگر بسیار گوید بر سر جمع حاکم
شود یا بدیع هر که را مهمی پیش آید هزار بار و به روایتی هفتاد بار یا بدیع
السموات والارض گوید بکفایت رسد و اگر با وضو تکیه کرده و روی به

جانب قبله آورده چندان بگوید تا در خواب رود هر آنچه خواهد در خواب بیند
یا باقی ج ۱۱۳ هر شب صد بار گوید اعمال او مقبول گردد و هیچ نکبتی بدو نرسد
و برای دفع دشمن و آلام و اسقام بسیار گوید یا واهب ج ۱۴ هر روز وقت
بر آمدن آفتاب صد بار گوید هیچ نکبتی بدو نرسد و اگر بسیار گوید بر اقران
و امثال خود تفوق یابد یا مشیل ۱۸۱ تدبیر کار خود بداند میان شام
و خفتن هزار یکبار گوید تدبیر کار خود بداند و اگر مداومت نماید همه تشن
بی سعی وی ساخته گردد یا صبور ج ۲۹۸ اگر رنجی یا شفقتی یا مصیبتی یا دردی
پیش آید [illegible] و سه هزار بار گوید اطمینان باطنی یابد اگر نیم شب و یازده روز مداومت
نماید بسته زبان [illegible] دشمنان و خشنودی خصمان و رضای سلطان بود از غضب
و قبولیت دلها خاصیت تمام دارد برای سرایع الاجابت از اسم جلالی و
جمالی یا مشترک بیست انشته بطن گشته و از تمام آن جمع کرده چنانکه ذکر
افتاده بر جنب از تمام الفاظ موافق آن اسم آورده بعضی موکلات سماعی
دارد مندرج ساخته عزائم خواه موکلات استخراجی خواه هر یک وضع کند اگر


IMPERIAL LIBRARY

لشکر الط

شرائط آن اسم داده باشد همان شرائط بسته و گرنه بعد از تمام عزیمت صد
بخواند و برای حاجت تا چهل روز هر روز سیصد و شصت یا عدد از تمام تا چهل
روز قسمت کرده بخواند مثاله یا رحمن کل شیء و راحمه یا جبار بیست
هشت بطن ۹۱۲۷ نه هزار و یکصد و بیست و هفت و عزیمت این ست یا اکبر یا [illegible]
یا متکفیل یا رو یا سیل یا حولائیل بحق یا هو یا من هو بحق القادر
المقتدر الحافظ الرافع الواحد الاحد المنعم المعطی رر
المفضل ارفع درجتی واقض حاجتی واکشف مهماتی
بحق کهیعص و بحق حم عسق و رد دعوت سریع الاجابت رود
فائده ست یکی زود اثر دید بجهت حصول مطلب دعوت [illegible] کرد بی شمار عمل
عامل این قاعده شود هرگز به هیچ وجه رد نتوان کرد و به او عاید گردد
ملاقات اسمای عظام و اسمای الحسنی و ادعیه دیگر ایضا برای سریع
الاجابت از تمام حروف مکتوبه اسم در شکل نوبه چهار [illegible] دیر کرده چهل
چهار رکوع کل منقسم و به پنجم منقسم نکند

قاعدهٔ تصحیح اعراب و حروف موکلات در این باب تا بجای حیی و دو بجای
رفع و نصب و نصب جر بخوانند و در این یقین بدانکه مفرد حرف یک گویند
و مرکب دو حرف سه حرف که اول متحرک و ثانی ساکن بود و در آخر کلمه ایل بکسر
همزه می آید و همزه ایل اگر بعد سه حرف یا بعد الف افتد ثابت ماند یکی از
اسماء الله تعالی است طریق ترکیب موکلات این است اول دو از دهم
مرکب دوم بکسر و دهم با اول مرکب بفتح و هشتم مفرد بکسر بضم ایل اسرافیل ب
پنجم با دویم مرکب با فتح و دهم مفرد بفتح بضم ایل جبرئیل و ت بیت چهارم
هشتم با یازدهم مرکب بکسر و دهم با اول مرکب بفتح بضم ایل عزرائیل ث
بیست چهارم با بیست هشتم مرکب بکسر بیست دوهم با اول مرکب بفتح بضم
ایل میکائیل ج بیست دویم با بیست سیوم مرکب بفتح بضم ایل باز بیست دویم
مرکب با اول بفتح کلکائیل ح سیوم با بیست پنجم مرکب بفتح بیست دویم
مفرد بفتح بیستم مفرد بکسر بضم بضم تنکفیل خ بیست چهارم با بیست هفتم
مرکب بفتح باز بیست دویم با اول مرکب بفتح بضم ایل مهکائیل د هشتم با دهم

مرکب

٢٣

مرکب بفتح بضم ایل دردائیل ذ اول با بیست و هفتم مرکب بفتح دهم

با اول مرکب به فتح شانزدهم مرکب مفرد بکسر بضم ایل اهر الطیل

د اول مفرد بفتح بیست چهارم نیز مفرد به فتح بیست دویم مفرد

بکسر بضم ایل اموا کیل ز ما چهاردهم مرکب بفتح بیستم با اول مرکب

بفتح بضم ایل شرفائیل س بیست هفتم با بیست چهارم مرکب بفتح

بیست ششم با اول مرکب بفتح بیست دویم مفرد بکسر بضم ایل

همواکیل ش بیست هفتم با بیست چهارم مرکب بفتح دهم با

اول مرکب بفتح بضم ئیل همرائیل ص اول با بیست هفتم

مرکب بفتح پنجم با بیست چهارم مرکب بفتح با بیست ... با اول

مرکب بفتح بضم ایل اجمائیل ض نهم دهم با شانزدهم مرکب

بفتح بیست دویم با اول مرکب بفتح بضم ایل عطائیل ط اول

با دوازدهم مرکب بفتح نهم دهم مفرد بکسر بضم ایل ...مائیل ظ

بیست سیوم با بیست ششم مرکب به فتح یازدهم با اول مرکب

بفتح بضم ایل لوزائیل ع ببیست سیوم بابیست ششم بفتح ببیست چهارم
با اول مرکب بفتح بضم ایل لومائیل غ ببیست سیوم بابیست ششم مرکب
بفتح هفتم با اول مرکب بفتح بضم ایل لوخائیل ف دوازدهم بادهم مرکب
بفتح ششم مفرد بفتح ببیست چهارم با اول مرکب بفتح ببیست دویم مفرد بکسر
بضم ایل حجائیل ق نهم دهم با شانزدهم مرکب بفتح دهم با اول مرکب بفتح
بضم ایل عطرائیل ک ششم مفرد بفتح دهم با بیست ششم مرکب برفع
یازدهم با اول مرکب بفتح بضم ایل حروزائیل ل شانزدهم با اول مرکب
بفتح و نیز شانزدهم با اول مرکب بفتح بضم ایل طاطائیل م دهم با بیست
ششم مرکب نهم بیست هشتم با اول مرکب بفتح بضم ایل رسومائیل
ن ششم با بیست ششم مرکب بفتح ببیست سیوم با اول مرکب بفتح بضم ایل
حولائیل و دهم با بیستم مرکب به بفتح سیوم مفرد بفتح ببیست چهارم
با اول مرکب بفتح بضم ایل رفتمائیل ه هشتم با بیست ششم مرکب برفع
دهم مفرد بفتح دویم با اول بفتح بضم ایل دوربائیل ی دوازدهم مفرد

بوفه

بفتح دهم با اول مرکب به فتح بیست دویم با بیست ششم مرکب بکسر شانزدهم
با اول مرکب به فتح بضم ایل سر اکیطائیل منه و شرح حروف تهجی این است
آ هر که با مداد پیش از سخن گفتن هزار بار بگوید یا نوشته با خود دارد
ذو جاه گردد و اگر پنجاه و هفت نوشته با خود دارد عزیز گردد و اگر
مریض بر کاسه چینی با زعفران نوشته بخورد شفا یابد و در وقت
نوشتن یا رحمن و یا رحیم گوید ب به نیت محبوس پانصد
بار گوید خلاص یابد و اگر ۱۰۴۲ در روز چهارشنبه وقت فرو
رفتن آفتاب نوشته کودک بخوردن دهد حفظ بیفزاید
و اگر چیزی فوت شده باشد نوشته در مصحف نهد باز آید اگر نوشته
با خود دارد از شر دشمنان ایمن بود و در وقت نوشتن یا قیوم
و یا واحد یا احد گوید ت اگر هر روز هزار بار بگوید صاحب
دولت گردد و اگر هزار نوشته با خود دارد عزیز شود اگر پانصد
و ده در روز سه شنبه وقت زوال نوشته در دیوار خانه

بیاوریزد ثابت قدم گردد و اگر نوشته بر شیشه زن شوهر بخوراند محبت
پیدا آید و در وقت نوشتن یا دائم و یا صمد گوید و اگر هر روز
۳۰۰ بار بنیت محبت گوید محبت پیدا آید و اگر ۳۳ نوشته زیر سر طفل
نهد نترسد و اگر روز سه شنبه وقت طلوع آفتاب پنجاه و سه نوشته
با خود دارد همه معاندان مطیع او گردد و اگر از مرتبه خود فرو افتاده
باشد باز آن بمرتبه رسد باید که در وقت نوشتن یا باری و یا کبیر گوید
ج اگر هفت روز هر روز نهصد بار گوید حضرت رسالت پناه
صلعم در خواب بیند و اگر رنجوری را نه صد بر قدح نوشته شسته بخورد
صحت یابد و اگر شب پنج شنبه در آفرونید ماه هژده نوشته با خود دارد
و سحر و چشم زخم بروی کارگر نکند و اگر بمشک و زعفران نوشته بر حریر
سفید بپیچد در موم گرفته زیر دندان نهد امرا و احباب معائنه کند باید که
نترسد و در وقت نوشتن یا باهی یا زاکی گوید ح دولت
بار خوانده بر مشتی خاک پاک دمیده بر دشمن افشاند دور گردد

ج

خ اگر خواهد که از غائب خبر یابد باید که بعد از نماز جمعه یا لاایام هفت صد بار صد بار خواند بطرف غائب دمد اگر طرف معلوم نباشد هفت صد نوشته زیر سر نهد غائب را در خواب بیند و اگر شب چهارشنبه نیم شب مشک و زعفران در کاسه چینی نوشته با خود دارد و عزیز و محترم گردد و اگر مدیون باشد از دین خلاص یابد باید که در وقت نوشتن یا حنان یا منان گوید د اگر خواهد که دشمن از شهر بدر رود باید که وقت صبح پیش از سخن بالای بام بمقابل ستارگان هفت صد بار گوید و اگر هر روز هزار بار گوید بدولت رسد اگر به نیت امانت در روز شنبه بوقت طلوع آفتاب هفت صد و سی نوشته در مسجد جامع دفن کند در امان حق باشند باید که در وقت نوشتن یا دیان یا خالق گوید ذ اگر دائم گوید با اهل خویش در امان حق باشد و اگر هفت صد نوشته با خود دارد و یا بر شیرینی خوانده بخورد دهد نیز در مردم عزیز گردد و اگر در شب دوشنبه دو بیت بنویسد و در آن غار

تعویذ کرده با خود دارد در میان خلق عزیز گردد و در وقت نوشتن
یا رحیم یا کریم گوید و اگر دفینه نامعلوم باشد هفتصد بار در گوش خروس
سفید گوید و بیند هر جا که دفینه باشد آنجا قرار گیرد و اگر بانصد بار
گوید از ترس ایمن گردد و اگر هر روز نوشته با خود دارد مهیب
گردد و اگر در روز جمعه صد و بیست نوشته با خود دارد زبان خلق
از بد گفتن بسته گردد و در وقت نوشتن یا حلیم یا معید گوید
مش اگر هر روز وقت بیستن هفتصد بار ورد سازد خلق
مطیع وی گردد و اگر نوشته بر گردن طفل بندد در ستمی آید و اگر در
روز چهارشنبه سیصد و شست بار در طاس میان حمام نوشته بر
سر اندازد در نعمت بر وی گشاده گردد و در وقت نوشتن
یا حمید یا عزیز گوید مش اگر دویست بار خوانند در خوردنی و د
ز و یا ماده که در شکم حامله باشد در خواب بیند و اگر بر نان نوشته
خوردن دهد با ساعت زاید اگر بر دی بسته بار در روز جمعه نود و پنج بار

بمشک زعفران برکاغذ چینی نوشته و نوشته بخورند کشاده گردد
و اگر زن باشد نوشته شسته بر سر اندازد و برای هر نیتی که باشد نوشته
در مصحف اندازد و در وقت نوشتن یا قهار و قریب گوید ص
اگر هفتصد و پنج نوشته در میان مصحف نهد عزیز گردد و در وقت
نوشتن یا مان له یا نور گوید ض برای دفع جنونیت نود بار
خواند بدمد و نوشته ببندد و اگر به جهت محبت هفتصد بار گوید محبوب
مطیع گردد و اگر صد و نوزده در شب جمعه با مشک و زعفران بر کاغذ
چینی نوشته زیر سر نهد حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وسلم را در
خواب بیند و اگر نشسته بخورد دل روشن گردد و اگر در جیب
با خود دارد در نظر مردمان عزیز گردد و در وقت نوشتن یا عالی
سو یا قدوس گوید ط از ترس ظالمی هر بامداد هفتصد بار گوید ایمن
گردد و اگر در شب پنجشنبه نهصد نوشته با خود دارد در هیچ کاری
درمانده نشود و در وقت نوشتن یا حی یا قیوم گوید ظ

برای محبت هفت صد بار به مشک و زعفران نوشته با خود دارد و اگر

در روز پنجشنبه صد و سی نوشته با خود دارد مشهور جهان گردد و

در وقت نوشتن یا محمود یا کریم اگر بیست روز هر روز هفصد

بار بخوانند دشمن هلاک گردد و اگر بر برگ خیار تلخ سیصد نوشته در

خانهٔ دشمن اندازد آواره گردد و اگر روز جمعه هزار نوشته با خود

دارد هرگز محتاج کسی نشود و در وقت نوشتن یا عظیم یا

مجیب گویند اگر هر روز هفتاد بار گفته بجانب دشمن دمد مقهور گردد

برای محبت نه هزار بر بادبرگ پاس نوشته نام آنکس با در خود و نام

مادر خود نیز نوشته محبت پیدا آید اگر در روز چهارشنبه نود نوشته

با خود دارد از حبس خلاص یابد و در وقت نوشتن یا مالک

و یا مهیمن بخوانند ف بجهت برآمدن حاجات هر روز چهل بار گوید اگر

صد و یک نوشته با خود دارد از زحمت ایمن گردد و در وقت نوشتن

یا کلیم یا کریم بخوانند ق اگر هر روز بیست بار گوید اسرار باطنی منکشف

گردد و اگر دو بیت بر کاغذ نوشته یا بر پوست آهو نوشته با خود دارد
عزیز گردد و اگر در شب چهارشنبه نیم شب نوشته با خود دارد همه کرامات
خلق آیمن گردد و مقبول اقوال گردد و در وقت نوشتن یا شکور یا
یا عزیز بخوانند ک اگر بود نه در وقت برآمدن آفتاب نوشته
با خود دارد جمله حاجات برآید و اگر نوشته در باغ و یا در کشت بیاویزد
موش و ملخ مضرت نرسانند و در وقت نوشتن یا خالق یا محیط
بگوید ل اگر بر کسی طمع داشته باشد هفصد بار بگوید اگر در شب سه شنبه صد و شصت
نوشته با خود دارد از جمله بلیات آیمن گردد و در وقت نوشتن
یا احیا یا اعلا بخوانند م اگر هفصد بار در شب جمعه گوید حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه وسلم را در خواب بیند اگر در روز شنبه
سیزده نوشته در مصحف نهد حاجتش برآید و در وقت نوشتن
یا شکور یا حلیم گوید ن اگر هژده نوشته با خود دارد راز نهان
آشکار گردد و اگر در وقت نوشتن یا عزیز یا جبار گوید

واکر چهار بار کوید زبان خلق از بد کفتن بسته کردد و اکر صد نوشته
با خود دارد خلق مطیع او کردد اکر هفت هزار بار کوید از
خلق بی نیاز کردد والله اعلم بالصواب دعاء سیفی
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انت الله الملك
الحق الذی لا اله الا انت به نیت در رسد حاجتش در
دل آرد و نیز نیک بعضی همه اشارت آرند و چون لا اله الا انت
کوید بعده ده بار و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد
در سجده رفته یازده بار سبحانك لا اله الا انت الخ
بخوانند جمیع عالم علوی و سفلی مطیع وی کردند انت ربی وانا
عبدك عملت سوء وظلمت نفسی واعترفت بذنبی
فاغفر لی ذنوبی انه لا یغفر الذنوب الا انت یا غفور
یا شکور یا حلیم ص اشارت اول دعاء فتح الهی بحق سر
هذه الاسرار وبحق کرمك الهی بحق اسمك الاعظم

ان

ان تجعلنی من اهل عنایتک اسالک ان تقضی حاجتی
کلها بحق من امره اذا اراد شیا ان یقوله کن
فیکون یا الله یا الله یا الله زائد در سجده سه بار گوید چون
به محل اشاره اصل رسد چشمها را بجانب آسمان کرده و دست
بدعا برده گوید اللهم بحق سر هذه الاسرار علمت و بحق
کرمک الخفی و بحق اسمک الاعظم ان تقضی حاجتی
کن فیکون کن فیکون الهی کفی علمک عن المقال
وکفی کرمک عن السوال خوانده حاجت طلبد بیند چون
حاجت فتح بسته دعا فتح خوانند و اگر حاجت قتل بسته دعا
قتل خوانند پیش تر کنند شروع یا فتاح تفتحت بالفتح والفتح
فی فتحک یا فتاح یا قهار تقهرت بالقهر والقهر
فی قهر قهرک یا قهار و در هر اشاره اسم فتح و اسم قهر
نوشته شده بسته برای فتح اسم فتح برای قتل اسم قتل اللهم

اني احمدك وانت للحمد اهل علي ما ف ص ن خصصتني
به من مواهب ف الرغائب واوصلت الي من فضائل
الصنائع واوليتني به من احسانك ای صاحب خود در دل گذارد
وبوأتني به من مظنة الصدق وانلتني به من ق ا ق
منك الواصلة الي واحسنت الي من الدفاع البلية
عني والتوفيق لي والاجابة لدعائي حين اناديك داعيا
وانا جيك س راغبا وادعوك ضارعا مضارعا مصافيا
وحين ارجوك راجيا فاجدك في المواطن كلها لي
جارا حاضرا حفيا بارا في الامور ناصرا وناظرا ط چون
به لفظ ناصر رسد هفت بار يا سه بار يا يكبار نصر من الله الخ و
در و ديگر بار بناصر نخوانند خواه فتح باشند خواه قتل باشند حاشيه
وناظرا ط وللخطايا والذنوب غافرا وللعيوب ساترا ق
ط لم اعدم عونك وبرك وخيرك لي طرفة عين منذ

انزلتني

انزلتني دار الاختيار والكفر والاعتبار لتنظر الي فيما اقدم
اليك لدار القرار فانا عتيقك يا مولاي من جميع المضار
چون اینجا رسد برای خلاصی محبوس وغم وهم نه بار کوید الهی خالص عن
السجن زائده دعا ابتدا اللهم فرج همي واكشف غمي واهلك عدوي
اللهم شتت شمله وفرق جمعه وزلزل اقدامه واقطع
ارزاقه واقصم ظهره وقلب تدبيره وبغض عينه وسود
وجهه ونكس اعلامه وخيب آماله وخرب بنياده
وبدل احواله وقرب آجاله واشغله ببدنه وخذه
اخذ عزيز مقتدر واهلكه كما هلك الشداد واغرقه
كما غرق فرعون يا جبار يا قهار والمضال والمصائب
والمعائب والنوائب واللوازم والهموم التي قد ساءتني
فيها العموم معاريض البلاء وضروب جهد القضاء
لا اذكر منك الا الجميل ولم ار منك الا التفضل خير
ربنا

لي شامل و صنعك لي كامل و لطفك لي كافل و
فضلك علي متواتر و نعمتك عندي متصله لم تخص
جوادي و صدقت رجاءي و صاحبت اسفاري و
اكرمت احضاري و شفيت امراضي فسر عافيت و
منقلبي و مثواي و لم تشمت بي اعداءي رد انگشت شهادت
بر راست کردن دشمن کند اشارت فتل اليه چون لم تشمت بي
اعداءي رسد ده بار يارب يارب اني مغلوب فانتصر
و رميت من رماني ق د چون رميت من رماني رسد
در سپر ره رفته هفت بار حسبي الله نعم الوکيل و نعم المولى و نعم
النصير و نه بار وما رميت اذ رميت ولکن الله رمى و
پانزده بار رميا مل لكل جبار الخ بخواند و اعدا را در خاطر
آرد چون رميت او رماني رسد حاجت خود طلبد نزديک بعضي
اشارت [illegible] دويم ست وكفيتني شر من عاداني فحمدي لك واجب

و ثناء

٣٠

وثناءي عليك متواتر دائم من الدهر الى الدهر بالوان

التسبيح خالصاً لذكرك ومرضيا لك بناصع التوحيد

واخلاص التفريد وامحاض التمجيد بطول التعبد والتعدد

لم تعن من قوله لم تعن من الى قوله المختلفات دراين محل

حاجت خود در دل كدارند ام في قدرتك ولم تشارك في

الاهيتك ولم تعلم لك مائية العلم ماهية الشيء

عما هو عليه والمائية الابتداء والماهية الانتها

وقيل ما يعلم اصل الشيء وماله فتكون للاشياء

المختلفة مجانسا ولم تعاين اذ حبست الاشياء على

الغرائم المختلفات ولا خرقت الاوهام حجب الغيوب

اليك فاعتقد منك محدوداً في عظمتك لا يبلغك

بعد الهمم ولا ينالك غوص الفطن ولا ينتهي اليك

بصر الناظرين في مجد جبروتك ارتفعت عن صفة

المخلوقين صفات قدرتك وعن ذكر الذاكرين كبرياء
عظمتك فلا تنقص ما اردت ان يزداد ولا يزداد ما
اردت ان ينقص ولا ضد شهدك حين فطرت الخلق
ولا ندّ حضرك حين برأت النفوس كلّت الالسن
عن تغيير صفتك الحيرة العقول عن كنه معرفتك وكيف
يوصف عن كنه صفتك يا ربّ امين بلفظ يا ربّ
رسدده بار كويد يا دائم الوجود وانت الله الملك
الجبار القدوس الذي لم تزل ازليا ابديا سرمديا
دائما في الغيوب وحدك لا شريك لك ليس فيها
احد غيرك ولم يكن اله سواك حارت في بحار ملكوتك
عميقات مذاهب التكفير وتواضعت الملوك و
لهيبتك وعنت الوجوه بذلة الاستكانة لعزتك
وانقاد كل شيء لعظمتك واستسلم كل شيء لقدرتك

و

وخضعت لك الرقاب وكل دون ذلك تحبير اللغات فضل
هنالك التدبير في تصاريف الصفات ط فمن تفكر في ذلك
مرجع طرفه اليه حسيراً وعقله مبهوتاً وتفكره متحيراً
ف ص اللهم لك الحمد حمداً كثيراً متوالياً مستقاً متسعاً
متوسقاً على مدى الابد لا يبيد غير مفقود في الملكوت ولا
مطموس في المعالم ولا منتقص في العرفان فلك الحمد
على مكارمك التي لا تحصى في الليل اذا ادبر والصبح اذا
اسفر وفي البر والبحر والغدو والآصال والعشي والابكار
والظهيرة والاسحار وفي كل جزء من اجزاء الليل والنهار
اللهم بتوفيقك قد احضرتني النجاة وجعلتني منك
في ولاية العصمة فلم ابرح منك في سبوغ نعمائك و
تتابع الائك محروساً لك في الرد والامتناع ومحفوظاً
لك في المنعة والدفاع عني ما ولم تكلفني فوق طاقتي

ولم ترض عني الا طاعتي نانك انت الله الذي لا اله
الا انت لم تغب ولا تغيب عنك غائبة ولا تخفى
عليك خائفة ولم تضل عنك في ظلم الخفيات ضالة
انما امرك اذا اردت شيئا ان يقول له كن فيكون
اللهم لك الحمد مثل ما حمدت به نفسك وحمدك به
الحامدون ومجدك به الممجدون وكبرك به المكبرون
وهللك به المهللون وعظمك به المعظمون
حتى يكون لك مني وحدي في كل طرفة عين واقل من
ذلك مثل حمد جميع الحامدين وتوحيد اصناف الموحدين
والمخلصين وتقديس اجناس العارفين وثناء جميع
المهللين والمصلين والمسبحين ومثل ما انت به عالم
وهو محمود ومحبوب ومحجوب من جميع خلقك كلهم
من الحيوانات والبرايا وارغب اليك في بركة ما

انطقتني

انطقتني به من حمدك فما ايسر ما كلفتني في به من حقك
واعظم ما وعدتني به على شكرك ابتدأتني
بالنعمة فضلاً وطولاً وامرتني بالشكر حقاً وعدلاً
ووعدتني عليه اضعافاً ومزيداً واعطيتني من رزقك
اختياراً ورضاءً وسألتني منه شكراً
يسيراً صغيراً اذ نجيتني وعافيتني من جهد
البلاء ولم تسلمني لسوء قضائك وبلائك وجعلت
ملبسي العافية واوليتني البسطة والرخاء وسوغت
لي ايسر القصد وضاعفت لي اشرف الفضل مع ما
وعدتني به من المحجة الشريفة وبشرتني به من
الدرجات الرفيعة واصطفيتني باعظم النبيين درجة
دعوةً وافضلهم لنا شفاعةً واوضحهم حجة محمد صلى الله
عليه وسلم وعلى جميع الانبياء والمرسلين اللهم اغفر لي

ما لا يسعه الا مغفرتك ولا يمحقه الا عفوك ولا يكفره الا
تجاوزك وفضلك وهب لي في يومي هذا وليلتي هذه
وشهري هذا وسنتي هذه هيبتا صادقا يهون
على مصائب الدنيا والآخرة واخوانهما وشوقي
اليك ورغبتي فيما عندك واكتب لي عندك المغفرة
وبلغني الكرامة من عندك واوزعني شكر ما انعمت
به علي فانك انت الله الواحد الاحد المبدئ الرفيع
البديع السميع العليم الذي ليس لامرك مدفع ولا عن
قضائك ممتنع واشهد انك انت الله الذي لا اله الا
انت ف ق انت ربي ورب كل شيء فاطر السموات و
الارض عالم الغيب ق ح والشهادة العلي الكبير المتعال
ف ق اللهم اني اسالك الثبات في الامر والعزيمة
على الرشد والشكر على نعمك واعوذ بك من جور كل جابر

دبر

وبغي كل باغ وحسد كل حاسد ومكر كل ماكر وشماتة
كل كاشح ط بك ق اصول على الاعداء واياك ارجو ولاية
الاحبة والقربا فلك الحمد ما لا استطيع احصاءه ولا
تعديده من عوائد فضلك وعوارف رزقك والوان
اوليتني به من ارفادك فانك انت الله الذي لا اله
الا انت ف انت ق الفاشي في الخلق ط حمدك الباسط
بالجود يدك لا تضاد في حكمك ولا يملكون ولا تنازع في
سلطانك وملكك وامرك تملك من الانام ما تشاء
ولا يملكون منك الا ما تريد ف ق اللهم انك انت
المحسن چون به اللهم انك انت المحسن رسد سه بار اشاره شد
و سر برهنه کرده روی بسوی آسمان آورده ونشسته مراد خود از درگاه
حق تعالی بخواهد فتح باشد خواه قتل اشارت چهارم یا عزیز تعززت
بالعزة والعزة في عزتك يا عزيز يا من لا تذل للت بالذلة

والذليل في ذلة ذلك يا منزل النعم المفضل القادر القاهر
المقتدر القدوس في نور القدس تردّيت بالعزّ
والعلا وتازرتَ بالعظمة والكبرياء وتغشّيتَ
بالنور والضيا وتجلّلت بالمهابة والبهاء لك المنّ
القديم والسلطان الشامخ والملك الباذخ والجود الواسع
والقدرة الكاملة والحكمة البالغة فلك الحمد على ما
جعلتني من امة محمد صلى الله عليه وسلم وهو افضل
بني آدم الذي كرمتهم وحملتهم في البر والبحر
ورزقتهم من الطيبات وفضلتهم على كثير من خلقتهم
من اهلها وخلقتني سميعا بصيرا سويا صحيحا سالما
معافا ولم تشغلني بنقصان في بدني ولم تمنعني كرامتك
اياي وحسن صنيعك اليّ ان اغنا طلبه عندك وفضل
منائحك لدي جزت وفضل منائحك زيد لجهته بسياري نعمت

و دفع تحط یا قریب المجیب الموالی الخ بخوانند و نعمائک
علی انت الذی اوسعت علی فی الدنیا و فضلتنی علی
کثیر ممن خلقک تفضیلاً فجعلت لی سمعاً یسمع آیاتک
وعقلا یفهم ایمانک و بصایری تدرک و فوادا
یعرف عظمتک و قلبا یعتقد توحیدک فانی بفضلک
علی حامد و لک نفسی شاکر و بجعل شاهد فانک
حی قبل کل حی و حی بعد کل حی و حی بعد کل میت
و حی لم یرث الحیوة من حی او لم تقطع خیرک عنی
اشارت و نفع بیان دو عین توقف کرده حاجت در دل آورده
بعده ابتدا از الخ از عین ثانی کند فی کل وقت و لم تنزل بی
عقوبات النقم و لم تمنع عنی دقائق العصم و لم
تغیر علی وثائق النعم فلو لم اذکر من احسانک یون
فاو لم اذکر من احسانک رسد هر دو دست داشته طلب غنا کند

وهر دو دست خو بنشین بر دو طرف انثاند الا عفوك عني والتوفيق

لي والاستجابة لدعائي حين رفعت صوتي بتوحيدك

وتمجيدك وتهليلك چون حين رفعت صوتي رسد هفتاد بار

بدم

يا الله المحمود و نه بار مغرو مسن خورنده از درگاه رازق رزاق

مطلق از طلبد حق تعالی از او سد فراخ کرداند و از جمیع شدائد خلاص

دهد والا في تعديل خلقي حين صورتني فاحسنت

صورتي والا في قسمة الارزاق قدرتها لي لكان في

ذلك ما يشغل شكري عن جهدي فكيف اذا فكرت

في النعم العظام التي اتقلب فيها ولا ابلغ شكر شيء

منها فلك الحمد ما حفظه علمك وعدد ما وسعته

رحمتك وعدد ما احاطت به قدرتك جهل وبكبار نا قدرتك

اما احاطت بخواند واضعاف ما تستوجبه من جميع

خلقك ف ق اللهم فتمم احسانك چون اتمم صهم فتمم

احسانك

احسانك رسد برای قضای دین وخلاصی محبوس هفت بار حنان

یا منان ذا الاحسان نخوانند اشاره نجم تعهبت بالرهبة و الوهبة

فی وهبتك یا وهاب یا جبار تجبرت بالجبروت و

الجبروت فی جبروت جبروتك یا جبار الی فیما بقی

من عمری كما احسنت الی فیما مضی منه اللهم انی

اسالك واتوسل الیك بتوحیدك وتمجیدك وتهلیلك

وتكبیرك وكبریائك وكمالك وتعظیمك ونورك ورافتك

ورحمتك وعلوك ووقارك ومنك وبهائك وجمالك

وجلالك وسلطانك وقدرتك واحسانك و

امتنانك ورحمتك ان تصلی علی محمد وعلی ال محمد

وعلی سایر اخوانه من الانبیاء والمرسلین وان

لاتحرمنی رفدك چون لاتحرمنی رفدك رسد برای برآمدن حاجات

بیست وهشت بار یا رحیم كل صریخ الخ وهم یكبار یا حی یا قیوم

يا احد يا واحد يا ماجد يا جد ما عوائد وفضلك وجمالك
وجلالك وفوائد كرامتك فانه لا يفرك لكثرة ما قد نشرت
من العطايا عوائق البخل ولا ينقص جودك في التقصير
في شكر نعمتك ولا تنفد خزائنك مواهبك المتسعة و
لا يؤثر في جودك في العظيم منحك الفائقة الجليلة
لا تخاف ضيم املاق فتكدي ولا يلحقك خوف
عدم يا رب جبرائيل يا رب ميكائيل يا رب اسرافيل
يا رب عزرائيل يا رب محمد رسول الله امددني في
قضاء حاجتي يا قاضي الحاجات اقض حاجاتي فنقص
من جودك في فيض فضلك اللهم ارزقني قلبا
خاشعا خاضعا ضارعا وبدنا صابرا ويقينا صادقا
ولسانا ذاكرا وحامدا وعينا باكية ورزقا فاسر
واسعا وعلما نافعا وولدا صالحا وسنا طويلا وعملا

صالحًا واسالك رزقا حلالا طيبا ولا تؤمني مكرك و
تكشف عني سترك ولا تنسيني ذكرك ولا تقنطني من رحمتك
ولا تبعدني من كنفك وجوارك واعذني من سخط
وغضبك ولا تؤيسني من رحمتك وروحك وكن لي
انيسا من كل روعة ووحشة واعصمني من كل هلكة ونجني
من كل بلية وآفة وعاهة ومحنة وغصة وشدة في الدارين
انك لا تخلف الميعاد اللهم ف ق اربعين نسخة مرتضوي حرز اليمان
رسيد حضرت علي كرم الله وجهه بصد در دو نماد علي اسعر بار بگویند حاجت
طلبند و اگر برای قتل خواسته بود سه بار بگوید لا فتى الا علي لا سيف
الا ذو الفقار و سه رميت من بغى علي بسهم الله و
بسيف الله القاتل ~~ولا تحرمني واكرمني ولا تهني وزدني~~
ولا تنقصني تحرمني كوبدى لا تضعني وارفع عني ولا تذل نفعي
واعطني ولا تحرمني واكرمني ولا تهني وزدني

ولا تنقصني وارحمني ولا تعذبني وانصرني ولا تخذلني وانر
ولا تؤثر علي احداً واحفظني ولا تفضحني فانك علي كل
شيء قدير وبالاجابة جدير چون بر الاجابت جدير رسد در سجده
رفته حاجت خود طلبد بگوید یا لطیف اغثني وصلی الله تعالی
علی خیر خلقه محمد واله اجمعین یا ذا الجلال والاکرام
اللهم ما قدرت لي من امر وشرعت فيه بتوفيقك و
تيسير قسمته لي باحسن الوجوه واصلحها واصوبها
فانك علی ما تشاء قدير وبالاجابة جدير يا من
قامت السموات والارضون بامره يا من يمسك السماء
ان تقع علی الارض الا باذنه يا من امره اذا اراد
شيئا ان يقول له كن فيكون چون به کن فیکون رسد برای
دفع دشمن دعاء مذکور خواند بعده یا قاهر ذا البطش
الشدید الخ هفت بار بخوانند دعاء این است اللهم استجب

٣٧

دعوتي كما استجب دعاء محمد صلى الله عليه وسلم ليلة
الاسرى ودعاء جميع الانبيا والمرسلين والاولياء
والصديقين والصالحين اجمعين بحرمة هذه الدعاء
محمد واله اجمعين فتت نسبحان الذي بيده
ملكوت كل شيئ والله اليه ترجعون وصلى الله
على محمد واله اجمعين الطيبين الطاهرين وسلم
تسليما تسليما مباركا كثيرا كثيرا


IMPERIAL
LIBRARY

